

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده حقوق و الهیات

بخش معارف اسلامی و حقوق

پایان نامه تحصیلی برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته حقوق گرایش

حقوق خصوصی

---

---

شهادت در امور حقوقی و فقه اسلامی

---

---

مؤلف :

آسیه نقیب شهربابکی

استاد راهنما :

دکتر محمدرضا امیرمحمدی

استاد مشاور :

دکتر ایوب احمدپور

شهریور ۱۳۹۲

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
۵	فصل اول: مفهوم شهادت در اسلام و قوانین مدون.....
۷	مبحث نخست: تعریف شهادت و اقسام آن.....
۷	گفتار نخست: شهادت در لغت.....
۹	گفتار دوم: مفهوم اصطلاحی شهادت.....
۱۱	گفتار سوم: مفهوم بینه و ارتباط آن با شهادت.....
۱۳	گفتار چهارم: موضوع شهادت.....
۱۵	گفتار پنجم: اقسام شهادت.....
۱۵	بند ۱: تقسیم شهادت از منظر مکان ادای آن.....
۱۵	بند ۲: تقسیم شهادت از منظر اثبات دعوی.....
۱۶	بند ۳: تقسیم شهادت از منظر درجه آگاهی شاهد از موضوع شهادت.....
۱۹	بند ۴: تقسیم شهادت از منظر وجودی یا عدمی بودن موضوع شهادت.....
۲۰	بند ۵: تقسیم شهادت از منظر نحوه اقدام شاهد.....
۲۰	مبحث دوم: شهادت از اسلام تا قوانین مدون.....
۲۰	گفتار نخست: شهادت در قرآن.....
۲۵	گفتار دوم: شهادت در احادیث.....
۲۶	گفتار سوم: شهادت، حق یا تکلیف.....
۲۷	بند ۱: تحمل شهادت.....
۳۰	بند ۲: ادای شهادت.....
۳۴	گفتار چهارم: سیر تحول شهادت در قوانین مدون.....
۳۸	فصل دوم: شرایط گواه و گواهی.....
۴۰	مبحث نخست: شرایط گواه.....
۴۱	گفتار نخست: بلوغ.....

گفتار دوم: عدل	۴۳
گفتار سوم: ایمان	۴۶
گفتار چهارم: عدالت	۵۳
گفتار پنجم: طهارت مولد	۵۹
گفتار ششم: عدم وجود نفع شخصی برای گواه در دعوی	۶۳
گفتار هفتم: عدم وجود دشمنی دنیوی بین گواه و طرف دعوی	۶۸
گفتار هشتم: عدم اشتغال گواه به تکدی و ولگردی	۷۰
گفتار نهم: خویشاوندی و خادم و مخدومی	۷۲
بند ۱: خویشاوندی	۷۲
بند ۲: رابطه خادم و مخدومی	۷۶
مبحث دوم: شرایط گواهی	۷۷
گفتار نخست: قطع و یقین در گواهی	۷۷
گفتار دوم: مطابقت موضوع گواهی با موضوع ادعا	۸۰
گفتار سوم: اتحاد مفاد گواهی گواهان	۸۱
<b>فصل سوم: توان اثباتی شهادت</b>	۸۲
مبحث نخست: جنسیت و تعداد شهود	۸۴
گفتار اول: جنسیت شهود	۸۴
بند ۱: مواردی که شهادت زنان فاقد ارزش حقوقی و قضائی است	۸۵
بند ۲: مواردی که شهادت زنان به انضمام مردان پذیرفته می‌شود	۸۹
بند ۳: مواردی که شهادت زنان چه منفرداً و چه به ضمیمه مردان پذیرفته می‌شود.	
	۹۱
گفتار دوم: تعداد شهود	۹۸
مبحث دوم: جرح و تعدیل	۱۰۰
مبحث سوم: ارزش شهادت در تعارض با عدله دیگر	۱۰۵
نتیجه‌گیری	۱۱۳
منابع	۱۱۶

## چکیده

شهادت به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی مورد قبول تمام نظام های حقوقی از جمله اسلام قرار گرفته است چنانکه قرآن کریم نیز در کلام نورانی خود موضوع شهادت را مطرح نموده و بدان اثر حقوقی بخشیده است. شهادت برای صیانت و حفاظت از حقوق به معنی اعم خود چه حق الناس و چه حق الله تشریح شده و از دو مرحله تشکیل می شود، مرحله تحمل شهادت و مرحله ادای شهادت. از نظر شرعی شاهد گرفتن از جمله حقوق خصوصی افراد است لیکن ادای شهادت یک نوع واجب شرعیست و کسی که ناظر بر وقوع امری بوده در صورتی که از او درخواست شهادت دادن شود باید شهادت دهد.

شهود باید دارای شرایطی از قبیل عدالت، حلال زادگی، ایمان، بلوغ، عقل و ... باشند و شهادت نیز باید از روی علم و یقین ادا شود و این در حالیست که مطابقت موضوع گواهی با موضوع ادعا و اتحاد مفاد گواهی گواهان هم شرط صحت و قبول شهادت است.

حق الله محض برای اثبات، نیازمند چهار شاهد عادل مرد است لیکن در حق الناس، شهادت دو شاهد مرد هم کفایت میکند. بانوان در حقوق مالی و یا حقوقی که منجر به مال میگردد می توانند به انضمام مردان گواهی دهند ولی در امور باطنی زنان، گواهی آنان بدون حضور مردان پذیرفته است. لازم به ذکر است چنانچه شهود با شرایط، تعداد و جنسیت مقرر در قانون مبادرت به ادای شهادت کنند قاضی مکلف به صدور رای بر اساس آن می باشد.

**کلمات کلیدی:** گواهی، شهادت، شرایط گواه، جرح و تعدیل، تحمل شهادت، ادای شهادت

## مقدمه

در هر نظام حقوقی جدای از ضرورت تدوین اصول و قواعد تبیین کننده حق و تکلیف، ایجاد قوانین و مقررات کاربردی به منظور معرفی ابزارها و راهکارهای متناسب با مرحله ی اثبات حقوق و تکالیف از اهمیت ویژه و دوچندانی برخوردار می باشد چرا که در مواقع حدوث اختلاف، اثبات حق و تکلیف است که آن را از مرتبه ی استقرار صرف خارج ساخته و بدان چهره ای توانا و قابل اجرا می بخشد و در فقه اسلامی و به تبع آن حقوق ایران که محدوده پژوهش حاضر را تشکیل می دهند، ادله ی اثبات دعوی به ترتیبی قابل تأمل احصا شده به طوری که هر کدام جایگاه و توان اثباتی خاصی را به خود اختصاص داده است. در این میان شهادت شهود که به عنوان یکی از ادله ی اثبات دعوی معرفی می گردد یکی از موضوعاتی است که در حقوق اسلام و ایران جایگاه ویژه ای را از آن خود ساخته به طوری که قرآن کریم به عنوان معتبرترین کتاب آسمانی در موارد متعددی به شهادت و لزوم ادا و اقامه آن اشاره کرده است و متعاقب آن فقها نیز در اکثر کتب فقهی باب مخصوصی را به شهادت اختصاص داده اند.

فقه اسلامی میراث ارزشمند و گرانقدر تمدن اسلامی است که همه امور یک مسلمان در رابطه اش با خدا، با خود و با هموعانش را در بر می گیرد لذا مراجعه به دامنه وسیع فقه اسلامی

برای دستیابی به تعریف شهادت، شرایط شاهد و شهادت و سایر مسائل مرتبط با مبحث شهادت شهود امریست اجتناب ناپذیر چرا که مراجعه به آموزه های فقهی در این خصوص کمبود ها و نقایص قانونی و حقوقی را جبران نموده و مسیری هموارتر پیش روی محقق می گشاید.

در دنیای امروز که نهاد دادگستری با حرکتی هدفمند در پی نظامیست تا بتواند در سایه ی آن به آرزوی دیرینه خود که همانا احقاق حق و اجرای عدالت است دست یابد تا در کنار فصل خصومت ها حقی ناحق و باطلی حق نگردد، یکی از مهم ترین مسائلی که بایستی بدان پرداخت جستن راهکارها و ابزار هایی است که بتوان با بکارگیری آن ها طریقی مطمئن به سوی اجرای عدالت و تمیز حق یافت. حال که در فقه اسلامی و به تبع آن در حقوق ایران، شهادت شهود به عنوان قدرتمندترین این ابزارها معرفی می گردد این سوال را در ذهن ایجاد می کند که آیا این دلیل اثبات دعوی به همان اندازه که قدرتمند می باشد مطمئن نیز هست و آیا به طور یقین این تضمین وجود دارد که همین دلیل اثبات دعوی خود دادرسی را به بیراهه ای جبران ناپذیر نکشانند؟ برای پیش گیری از این مسائل گواه و گواهی باید چه شرایطی داشته باشند؟ پاسخ به سوالات فراوانی از این دست که یکی پس از دیگری به ذهن خطور میکند خود لزوم مطالعه ای تحقیقی را گوشزد می کند که پژوهش حاضر نیز در صدد پاسخگویی به همین قسم سوالات است. محقق در پژوهش حاضر که پراکندگی منابع و در دسترس نبودن برخی کتب کهن سال از جمله مشکلات آن بشمار می رود سعی بر آن نموده تا با حضور در اکثر کتابخانه های معتبر و مطرح کشور، کمبود منابع در شهرستان محل تحقیق را جبران نموده و بدین طریق به بررسی جایگاه شهادت شهود و توان اثباتی آن در فقه اسلامی و همین طور امور حقوقی بپردازد و موارد استفاده، شرایط و تشریفات مرتبط با آن را دریابد.

یکی از مهم ترین علل انتخاب این موضوع و عنوان برای پایان نامه پیش رو این است که محقق در تجربه ای شخصی شاهد موقعیتی بوده است که تحت آن، خواهان پرونده ای بی آنکه در مرحله ی ثبوت دارای حقی باشد براحتی توانسته با تمسک به شهادت دروغ حقی را برای خود در مرحله ی دادرسی به اثبات رساند و این بیم و هراس را در محقق ایجاد نموده که مبادا در موارد زیادی چنین وضعیتی حکم فرما گردد و بدین طریق حقی نا حق و یا باطلی حق گردد.

پژوهش حاضر که با روش کتابخانه ای گردآوری و تنظیم شده است در صدد آن است که به تعریف شهادت پرداخته، شرایط گواه و گواهی را به تفصیل بررسی نماید و در کنار این مباحث جنسیت و تعداد شهود را از نظر گذرانده و سایر موارد از این دست را مورد بررسی قرار دهد. لذا لازم به ذکر است که شیوه بحث در این رساله به طریق ذیل خواهد بود:

فصل اول که به مفهوم شهادت و اقسام آن و وضعیت آن در اسلام و قوانین مدون اختصاص دارد، مشتمل بر دو مبحث است که در مبحث اول شهادت در لغت، مفهوم اصطلاحی شهادت، مفهوم بینه و ارتباط آن با شهادت، موضوع شهادت و اقسام آن مورد مطالعه قرار خواهد گرفت و در مبحث دوم شهادت در قرآن، شهادت در حدیث، اینکه شهادت حق است یا تکلیف و سیر تحول شهادت در قوانین مدون در ضمن گفتارهای جداگانه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در فصل دوم به ذکر شرایط گواه و گواهی در دو مبحث پرداخته می شود. در مبحث اول شرایط گواه مورد بررسی قرار می گیرد شرایطی همچون بلوغ، عقل، ایمان، عدالت، عدم نفع شخصی، عدم وجود دشمنی دنیوی بین گواه و مشهودعلیه، عدم تکدی و ولگردی شاهد، طهارت مولد و نداشتن رابطه خویشاوندی و خادم و مخدومی بین شاهد و مشهودله که در ضمن گفتارهای



جداگانه آورده شده اند. در مبحث دوم به شرایط گواهی پرداخته شده که در سه گفتار بدین ترتیب تنظیم شده است: قطع و یقین در گواهی، مطابقت موضوع گواهی با موضوع ادعا و اتحاد مفاد گواهی گواهان.

در فصل سوم سعی بر آن شده تا توان اثباتی شهادت مورد بررسی قرار گیرد لذا این فصل مشتمل بر سه مبحث است که در مبحث اول جنسیت و تعداد شهود مورد مطالعه قرار خواهد گرفت، در مبحث دوم به جرح و تعدیل شهود پرداخته شده است و مبحث سوم ارزش شهادت را در تعارض با ادله ی دیگر مورد مطالعه قرار می دهد.

## فصل اول:

مفهوم شهادت در اسلام و قوانین مدون

همان طور که می دانیم حق دارای دو مرحله ی ثبوت و اثبات است. در مرحله ی اثبات، دارنده حق باید حق خود را با ارائه ی دلیل اثبات و به قاضی بنمایاند. گاهی ممکن است دارنده واقعی حق که در مرحله ثبوت دارای حق است، دلیلی برای اثبات آن نداشته باشد در این صورت از نظر حقوقی مانند کسی است که حق ندارد، پس مسئله اثبات دعاوی بسیار اهمیت دارد چه بسا که با دلایل جعلی امکان دارد حکمی به نفع شخص غیر مستحق صادر شود. بنا بر مراتب مذکور هر ذینفع برای اقامه دعوی و اثبات حق خود باید دلیل اقامه کند. ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی مقرر می دارد: «دلایل اثبات دعوی از قرار ذیل است: ۱- اقرار ۲- اسناد کتبی ۳- شهادت ۴- امارات ۵- قسم».

بنابراین برای آشنایی با شهادت به عنوان یکی از ادله ی اثبات دعوی، لازم است تا در این فصل به تعریف شهادت پرداخته شود و وضعیت شهادت از اسلام تا کنون مورد بررسی قرار گیرد. لذا این فص مشتمل بر دو مبحث است: مبحث نخست، تعریف شهادت و اقسام آن و مبحث دوم، شهادت از اسلام تا قوانین مدون.

## مبحث نخست: تعریف شهادت و اقسام آن

در این مبحث پس از تعریف واژه شهادت در لغت و مفهوم اصطلاحی آن، مفهوم بینه و ارتباط آن با شهادت بررسی می شود و سپس نگاهی می اندازیم به موضوع شهادت و اقسام آن .

### گفتار نخست: شهادت در لغت

شهادت در لغت از فعل ثلاثی مجرد شَهِدَ، يَشْهَدُ، شَهِدًا، شَهِدَةً گرفته شده است<sup>۱</sup> که بر حسب استعمال معانی متعددی دارد. از بین بارزترین معانی موجود برای این واژه می توان به معنای حضور، معاینه و اطلاع<sup>۲</sup> و یا گواهی دادن<sup>۳</sup> اشاره نمود و نیز گفته شده این کلمه اگر بدون حرف اضافه استعمال گردد به معنای ادراک و حضور می باشد و با حرف اضافه «علی» به معنای اخبار قاطع بوده و استعمال آن با حرف «باء» به معنای ادای شهادت است به عنوان مثال در عبارت: «شَهِدَ عِنْدَ الْحَاكِمِ لِفُلَانٍ عَلِيٌّ فُلَانٌ بَكْرًا»<sup>۴</sup> همچنین یکی دیگر از پرکاربردترین معانی شهادت در لغت عبارت است از کشته شدن در راه خدا<sup>۵</sup> که البته بحث پیش رو به کلی منحصر از این معناست.

---

<sup>۱</sup> قاسمی حامد، عباس، تحلیل حقوقی شهادت در مذهب امامیه، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۳.

<sup>۲</sup> جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات کتابخانه گنج دانش، تهران، ۱۳۸۶، چاپ هفدهم، ص ۳۹۷، شماره ۳۱۷۵.

<sup>۳</sup> معین، محمد، فرهنگ فارسی یک جلدی، انتشارات سرایش، تهران، ۱۳۸۰، چاپ نهم، ص ۶۳۲.

<sup>۴</sup> قاسمی حامد، عباس، تحلیل حقوقی شهادت در مذهب امامیه، ص ۱۳.

<sup>۵</sup> معین، محمد، فرهنگ فارسی یک جلدی، ص ۶۳۲.

حال صرف نظر از وجود معانی اسمی و مصدری متعدد برای واژه ی شهادت میبایست یادآور شد که معادل فارسی شهادت را کلمه گواهی دانسته اند<sup>۱</sup> و اسم فاعل آن را که کلمه ی شاهد است معادل گواه ذکر کرده اند.<sup>۲</sup>

اما درستی ترجمه ی واژه های شهادت به گواهی و شاهد به گواه مانند ترجمه مدعی به خواهان و مدعی علیه به خواننده ، شاید با اندکی تردید همراه شود از آن رو که گواهی گاهی به معنای تصدیق به کار می رود و این معنا با معنای مورد بحث در فن دادرسی (مدنی یا کیفری) متفاوت است . بسیاری از تصدیق نامه های حکومتی یا اداری که معنای گواهی یا گواهینامه در آنها بکار رفته با معنای مصطلح در آیین دادرسی کاملاً متفاوتند مانند گواهینامه رانندگی ، گواهینامه بانکی و ... اما وقتی واژه به متن قانون وارد شد به مثابه پذیرش قطعی و تردید ناپذیر آن واژه در معنای اصطلاحی تلقی شده و بی دغدغه می توان آن را در معنای اصطلاحی جدید به کار گرفت. این فرایند را می توان فرایند وضع واژه در معنا نیز دانست که به منقول شرعی و در نتیجه حقیقت شرعیه مشابَهت دارد و این وضع در مبحث چهارم از فصل دهم از باب سوم قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی به صراحت صورت گرفته است.<sup>۳</sup>

---

<sup>۱</sup> همان، ص ۶۳۲ و جعفری لنگرودی ، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق ، ص ۳۹۷، شماره ۳۱۷۵.

<sup>۲</sup> معین، محمد، فرهنگ فارسی یک جلدی ، ص ۶۰۷ و جعفری لنگرودی ، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق ، ص ۳۹۷، شماره ۳۱۷۵.

<sup>۳</sup> صدری، سید محمد، دادرسی در ترجمه لمعه، انتشارات اندیشه های حقوقی، کاشان، ۱۳۸۸، ص ۶۴.

## گفتار دوم: مفهوم اصطلاحی شهادت

اگرچه در شرع، تعریفی شرعی و در قانون، تعریفی قانونی از شهادت نشده است اما بسیاری از فقها و حقوقدانان با لحاظ احکام و آثار شهادت، تعاریف متعددی از این واژه ارائه نموده اند که در نهایت با اندکی اختلاف در الفاظ و قیود تماماً مفید مفهومی واحدند که در ذیل به پاره ای از این تعاریف اشاره می شود:

۱- شهادت (گواهی) عبارت است از اخبار شخص از امری به نفع یکی از طرفین و به زیان دیگری.<sup>۱</sup>

۲- شهادت (گواهی) در معنای اعم، اخبار فرد نزد مرجع قضاوتی از دیده ها یا شنیده ها یا سایر آگاهی هایی است که بصورت اتفاقی یا به درخواست یکی از اصحاب دعوی از موضوعی پیدا کرده است.<sup>۲</sup>

۳- شهادت یا گواهی عبارت از بیان اطلاعاتی است که شخص بطور مستقیم از واقعه ای دارد.<sup>۳</sup>

۴- شهادت در اصطلاح عبارت است از انتقال حقیقت امری از ناحیه فردی واجد شرایط که آن را دیده یا شنیده، به قاضی محکمه، علیه یکی از اصحاب دعوی و به نفع دیگری با ادای سوگند و التزام به راستگویی.<sup>۴</sup>

---

۱. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۷۹، جلد ششم، چاپ نهم، ص ۲۱۳.

۲. شمس، عبدالله، ادله اثبات دعوی، انتشارات دراک، تهران، ۱۳۸۸، چاپ سوم، ص ۱۳۶.

۳. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۸۶، چاپ ۵۶، ص ۳۵۶.

۴. مدنی، سیدجلال الدین، آئین دادرسی کیفری (۱) و (۲)، نشر پایدار، تهران، ۱۳۷۸، چاپ اول، ص ۳۵۵.

۵- در اصطلاح، شهادت، اخبار از وقوع امور محسوس به یکی از حواس است در غیر مورد اخبار به حقی به ضرر خود و به نفع غیر (زیرا در این صورت اسم آن اقرار است نه شهادت).<sup>۱</sup>

۶- شهادت دادن عبارت است از: اخبار توأم با قطع و جزم از وجود حقی که برای دیگران لازم و ثابت و محقق شده است و این اخبار از ناحیه غیر حاکم است.<sup>۲</sup>

البته تعریف اخیر و سایر تعاریفی که شهادت را اخبار از امری به نفع یکی از طرفین و به ضرر دیگری می دانند مورد انتقاد برخی از فقها و حقوقدانان قرار گرفته اند. چرا که تعاریف مذکور در باب قضا، تنازع و ترافع صادق بوده و موجب خروج مواردی نظیر شهادت در رویت هلال ماه، شهادت در آنچه موجب حد می شود و سایر موارد غیر ترافعی از این دست می گردد. چنانچه در کتاب جامع المدارک پس از ذکر تعریف فوق که در کتاب جواهر الکلام آمده است آورده شده که: «ممکن است گفته شود شهادت به معنای لغوی و عرفی خود باقی است، پس گاهی در شهادت نظر به اخبار است مانند شهادتی که راجع است به موضوعات خارجی همچون شهادت به نفع مدعی در مرافعات و گاهی نظر به حضور است مانند شهادت در طلاق، نهایتاً، اعتبار تعدد از طرف شرع در موضوعات غالباً وجود دارد. بنابراین تقیید در تعریف مذکور به اینکه حقی است که برای غیر لازم و ثابت است موجب خروج شهادت در رویت هلال ماه بلکه شهادت در آنچه موجب حد می شود، خواهد شد».<sup>۳</sup>

۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۳۹۷، شماره ۳۱۷۵.

۲. نجفی، سید محمد حسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۳، جلد ۴۱، چاپ دوم، صفحه ۷ و شهید ثانی، زین الدین بن علی الجبعی، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، انتشارات موسسه المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۹ قمری، جلد ۱۴، چاپ اول، ص ۱۵۳.

۳. موسوی خوانساری، سید احمد، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، انتشارات مکتبه الصدوق، تهران، ۱۴۰۵ قمری، جلد ۶، چاپ دوم، ص ۹۶.

صرف نظر از اقوال متعدد در باب تعریف شهادت و جامع و مانع بودن یا نبودن آنها، به نظر می‌رسد برای دستیابی به تعریفی توجیه پذیر از این واژه باید به معنا و مفهوم عرفی آن بسنده نموده و به مسائل گسترده‌ی دیگر این باب پردازیم و در پایان این گفتار لازم به ذکر است که در توضیح شهادت آورده اند که: «... در فقه غالباً شرط می‌کنند که مشهود به، باید از دیدنی‌ها (مبصرات) یا شنیدنی‌ها (مسموعات) باشد مانند عقد و ایقاع که شنیدنی است و قتل و دزدی که دیدنی است و در قانون ما این امر به سکوت برگزار شده و چون صدق شهادت در اخبار از غیر محسوسات محل تردید در نظر عرف است بنابراین به حکم اصل عدم ارزش اثباتی دلیل، شهادت در غیر محسوسات اعتبار ندارد (ماده ۱۳۰۶ به بعد قانون مدنی و قانون شهادت و امارات ۱۳۰۸). کسی که به ترتیب فوق اخبار از وقوع امری در گذشته یا حال (از مسموعات یا مبصرات) می‌نماید او را شاهد نامند و امری که از وقوع آن خبر می‌دهد مشهود به نامیده می‌شود و کسیکه شهادت به نفع اوست مشهود له خوانده می‌شود و کسیکه شهادت به زیان اوست مشهود علیه نام دارد»<sup>۱</sup>.

### گفتار سوم: مفهوم بینه و ارتباط آن با شهادت

بینه واژه‌ای قرآنی و اصطلاحی فقهی است، این واژه مونث بینه و در لغت به معنای فاصل، روشن و آشکار<sup>۲</sup> می‌باشد. واژه‌ی یاد شده در قرآن نوزده بار بصورت مفرد و پنجاه و دو بار بصورت جمع استعمال شده است و شاید از این روست که آن را واژه‌ای قرآنی می‌دانند اما نباید

---

<sup>۱</sup>. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۳۹۷، شماره ۳۱۷۵.

<sup>۲</sup>. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، ۱۳۷۷، جلد ۳، چاپ اول، ص ۵۸.



فراموش کرد که لفظ بینه در قرآن در همان معنای لغوی و دلیل و حجت آشکار استعمال شده و این کاربرد به هیچ روی با معنای اصطلاحی آن در فقه ارتباط ندارد، هرچند که حکم حجیت شهادت دو مرد عادل و برخی از صور دیگر شهادت در قرآن آمده است.<sup>۱</sup>

در منابع فقهی این واژه اغلب در ابواب قضا و شهادت آمده اما تعریف روشنی از آن ارائه نشده است به عنوان مثال محقق داماد در معنا و تعریف بینه می گوید: «بینه مونث بین و در لغت به معنای فاصل، روشن و آشکار و در اصطلاح به معنای حجت و دلیل می باشد چرا که حجت و دلیل آشکار کننده و فیصله دهنده ی حق است».<sup>۲</sup> و یا گفته شده: «بینه در فقه و حقوق به دو معنا بکار رفته است: یکی در معنای لغوی و اعم آن یعنی هرچه که وسیله توجیه ادعایی قرار گیرد ... و دیگری در معنای اخص آن که در فقه و حقوق متداول است و همان شهادت ... است»<sup>۳</sup> و در جایی دیگر جعفری لنگرودی در مقام تعریف بینه در اصطلاح فقهی می گوید: «تعداد شهودی که قانوناً شهادت آنها می تواند یک امر حقوقی (مدنی یا جزائی) را اثبات کند. مثلاً دعوائی که با شهادت دو شاهد مرد اثبات می شود مجموع دو شاهد را بینه گویند و گاه بینه چهار نفر می شود...».<sup>۴</sup> در نهایت لازم به ذکر است که سابقه تاریخی میان بینه و گواه از نسبت های چهارگانه منطقی، فقط نسبت تساوی را برقرار کرده است. بدین شرح که در گذشته عمده ترین دلیل اثبات ادعا، گواهی گواهان بوده است و دلیل در خور توجه دیگری در کنار آن یافت نمی شد. بر این اساس هر جا

---

<sup>۱</sup>. سوره مبارکه مائده، آیه ۱۰۶ و سوره مبارکه طلاق، آیه ۲ و سوره مبارکه نور، آیات ۴ و ۱۳ و سوره مبارکه نساء، آیه ۱۵ و سوره مبارکه بقره، آیه ۲۸۲.

<sup>۲</sup>. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، جلد ۳، ص ۵۸.

<sup>۳</sup>. شمس، عبدالله، ادله اثبات دعوی، صفحه ۱۳۶، به نقل از جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی

حقوق، انتشارات کتابخانه گنج دانش، تهران، ۱۳۹۰، جلد ۲، چاپ چهارم، ص ۱۰۳۴، شماره ۲۸۶۵.

<sup>۴</sup>. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۱۲۳، شماره ۹۸۵.

سخن از بینه به میان آمده است بر گواهان واجد شرایط حمل شده است و این حمل چنان بی حضور رقیب ادامه یافته و شایع شده که لااقل در عموم متون فقهی، اندیشه تساوی دو مفهوم را برقرار کرده است. اما امروزه ادله اثباتی محکم و متقن نوینی پدید آمده که می تواند جایگزین مناسبی برای گواهان باشد ادله ای چون اسناد رسمی و تازه تر از آنها ادله بالقوه الکترونیک که به زودی می تواند با پشتوانه ای معقول و منطقی از داده های الکترونیک، دلیل های اثباتی تخطی ناپذیری بسازد و بینات و اضحات در اختیار مراجع دادرسی قرار دهد. پس حقیقت امر آنست که مفهوم بینه چنانچه پیش از این اشاره شد اعم از گواهی است و در ترسیم نسبت صحیح منطقی بین این دو مفهوم باید به عموم و خصوص مطلق روی آورد، اما حقیقتی روشن تر حکایت از آن دارد که حتی در عصر حاضر دلائل اثباتی محکم و متقن نیز نتوانسته اند رابطه استوار بینه و گواهی را بگسلند و این رابطه ی قوی در عرف حقوقی هنوز هم یادآور نسبت تساوی یاد شده است.<sup>۱</sup>

### گفتار چهارم: موضوع شهادت

موضوع شهادت یا مشهود به، امری است که شاهد از آن خبر می دهد.<sup>۲</sup> موضوع شهادت ممکن است از امور محسوس و مشهود و یا از امور مسموع باشد. بنابراین مشهود به امکان دارد فعلی از افعال یا ترک فعلی باشد که شاهد ناظر آن بوده است. در فقه غالباً شرط می کنند که مشهود به باید از مبصرات و یا مسموعات باشد مانند عقد که شنیدنی است و دزدی که دیدنی است. پس چنانچه متعلق شهادت چیزی باشد که تحت سیطره ی

---

<sup>۱</sup>. صدری، سید محمد، دادرسی در ترجمه لمعه، ص ۶۳.

<sup>۲</sup>. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۳۹۷.

حسی از حواس درنیاید قابل شهادت دادن نخواهد بود.<sup>۱</sup> مشهود به باید در گذشته وجود پیدا کرده باشد و یا در زمان ادای شهادت توسط شهود در دادگاه، موجود باشد.<sup>۲</sup>

گفته شد که از نظر فقهی، موضوع شهادت باید از مبصرات یا یا از مسموعات باشد، ولی این امر در قانون ما به سکوت برگذار شده و چون صدق شهادت در اخبار از غیر محسوسات در نظر عرف، محل تردید است، بنابراین به حکم اصل عدم ارزش اثباتی دلیل، شهادت در غیر محسوسات اعتبار ندارد.<sup>۳</sup>

موضوع شهادت وقتی منفی باشد مثل اینکه بگوید فلان این کار را نکرده، شهادت قبول نخواهد بود، مگر اینکه آن را به زمان معینی محدود کرده باشد و در این صورت چون احاطه و اطلاع بر آن ممکن است، قبول شهادت منعی نخواهد داشت.<sup>۴</sup>

شهادت از نظر روان‌شناسی یا ناظر به امری محسوس است یا مسموع یا معقول، و در همه حال موضوع شهادت با زمینه‌ی ذهنی و عقلی و تربیتی شاهد کاملاً مربوط است. شاهدی که با ادب سر و کار دارد به علت انس با معانی لطیف، از دیدن یا توجه به نکاتی که با زمینه‌ی ذهنی او سازگار نیست غافل می‌ماند و یا تصویری بهتر و یا زشت‌تر از آنچه که هست در ضمیر او نقش می‌بندد. در شهادت مسموع نیز گذشته از آنکه احتمال شنیدن جزء یا تمام کلام گوینده هست، کیفیت همراه با شنیدن کلام گوینده نیز در ضمیر شنونده یا شاهد مؤثر است و در معقول این تأثیر بیشتر است و باید توجه داشت خود گوینده نیز گاهی قاصد کلامی نیست که می‌گوید و یا آن کلام نمی‌تواند

---

۱. همان، ص ۶۵۳.

۲. همان، ص ۳۹۷.

۳. همان، ص ۳۹۷.

۴. عبده بروجردی، محمد، کلیات حقوق اسلامی، انتشارات موسسه وعظ و تبلیغ اسلامی، تهران، ۱۳۳۹، چاپ دوم، ص ۲۲۲.

روشنگر مقصود گوینده باشد و به عبارت دیگر الفاظ برای بیان معانی ذهنی کافی نیست و قاضی نیز باید هنگام استماع شهادت، بدین معنی فلسفی و روانی توجه داشته باشد و ضمناً به یاد داشته باشد که خود نیز از حیطة نفوذ این احکام خارج نیست.<sup>۱</sup>

از آنجا که شهادت بیان واقعه‌ای است که شاهد آن را دیده یا شنیده است از همین روی شاهد باید آنچه که دیده یا شنیده است را در محضر قاضی بیان کند و از بیان آنچه که استنباط یا احساس کرده، پرهیزد زیرا آنچه که از شاهد می‌خواهند، مسموع یا مرئی او است نه عقیده‌ی او، و اظهار عقیده درباره‌ی مسموع و مرئی شاهد با قاضی است.

### **گفتار پنجم: اقسام شهادت**

در مقام بیان اقسام شهادت لازم به ذکر است که این مقوله از زوایای مختلفی قابلیت تقسیم بندی دارد. حال نظر به این مهم در بند های آتی در صدد آنیم تا شهادت را از زوایای مختلف بخش نموده و هر کدام را منحصرأ توضیح دهیم.

#### **بند ۱ : تقسیم شهادت از منظر مکان ادای آن**

##### **الف - شهادت در دادگاه**

بنا بر ماده ۳۶۰ قانون آئین دادرسی مدنی حسب القاعده رسیدگی به دلایل (که شهادت هم از آنهاست) در دادگاه به عمل می‌آید.

---

<sup>۱</sup>. حسینی نژاد، حسین قلی، ادله‌ی اثبات دعوی، نشر میزان، تهران، ۱۳۷۳، چاپ اول، ص ص ۲۴-۲۵.